



پایان تنمیه بدنی در مدارس؟

بررسی سخننامه دیروز **علیرضا کاظمی**
وزیر آموزش و پرورش



رومی یا بلخی؟

بررسی اظهارات اخیر **شهرام ناظری**
درباره نسبت مولانا با ایران و ترکیه



مانیفست ناتوانی

تبارشناسی فلسفی و ساختار شکنی فرم
در جهان روایی **ساموئل بکت**



در جنگی هستیم بزرگتر از جنگ با عراق

روایت رئیس جمهور از شرایط کشور در مصاحبه با سایت رهبری

درباره
دیپلمات
۲۰۳

وزیر تحریم یاری تحریم؟

بررسی واکنش‌ها به اظهارات

اخیر **عباس عراقچی**

سرمقاله

برکات تحریم!

آقای عراقچی در مقام وزیر امور خارجه کشور گفته‌اند که: «من مشکلات تحریم را می‌دانم، اما برکاتش را هم می‌دانم». در شرایط کنونی شاید چندان پذیرفتنی نباشد که وزیر خارجه کشور را به نقد عمومی کشید، ولی برخی از سخنان به گونه‌ای است که بدترین تبعات را برای گوینده آن از حیث جایگاه و اعتباری که دارد، رقم می‌زند و سکوت در برابر آنها اعتبار رسانه را مخدوش می‌کند. در واقع، این دیگران نیستند که با نقد خود جایگاه وی را مورد سوال قرار می‌دهند؛ بلکه ایشان است که به نوعی خودزنی می‌کنند، در حالی که هیچ ضرورتی برای این خودزنی وجود ندارد و این گفتار بیش از هر چیز ناشی از فقدان تجربه و ذهنیت فرد است. این گونه مواضع، مخاطب را به این نتیجه می‌رساند که اگر کسی به فکر حفظ اعتبار مقام و جایگاه خود نیست و بی‌محبا و بدون ضرورت آن را تلف می‌کند، آیا می‌تواند از منافع کشور چنانچه شایسته است، دفاع کند؟ این جمله وی چه اشکالی دارد؟ برای نقد آن لازم است که ابتدا ایشان بفرمایند برکات آن چیست؟ چون هزینه‌ها را همه می‌دانند. کافی است که نمودار متغیرهای اقتصادی و اجتماعی کشور را از سال ۱۳۹۰ تاکنون مرور کنند. همه شاخص‌ها بدون استثنا از آن سال تاکنون روند نزولی داشت، جز سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ که دوره امید برجام بود. این روند نزولی همچنان ادامه دارد و اگر یک روز هم بتوانیم آن را معکوس کنیم، از یک سو، به دلیل رسیدن به کف است و از سوی دیگر، روند افزایشی احتمالی بسیار کند و ناپایدار خواهد بود، هر چند هنوز به آن مرحله نرسیده‌ایم. بنابراین، درباره مشکلات و تبعات تحریم نیازی به گفت‌وگو نیست. ولی در مورد برکات آن جای بحث است. نه اینکه ندارد، بلکه برای عده‌ای خاص برکت دارد. همان‌ها که همچنان از آن دفاع می‌کنند. به علاوه، برکات احتمالی آن که جنبه عمومی داشته باشد، در مقایسه با هزینه‌های چندان نامتوازن است که گفتن آن از عقلانیت به دور است. مثل این است که شهری را به طرز وحشتناک بمباران کنند و گودال عمیقی در آن ایجاد شود و بتوان آن را تبدیل به حوضچه‌ای برای پرورش ماهی کرد و بگوئیم این هم از برکات جنگ و بمباران است. ساختار آن ذهنی و استدلالی که در مقایسه با این هزینه‌های گزاف، چنین برکات بی‌اهمیتی را می‌بیند، چگونه می‌تواند با مردمی که تحت فشار این تحریم هستند، همنوایی و همدردی کند و اعتماد مردم را به سیاست‌های جاری به دست آورد؟ آیا این گزاره بنحوی نشان نمی‌دهد که از نظر گوینده تحریم اهمیت چندانی ندارد؟ اغلب مردم متوجه مشکلات کشور در رابطه با جهان غرب هستند، زخم‌هایی که از این طریق به کشور و جامعه وارد می‌شود را می‌فهمند، ولی انتظار دارند که آقای وزیر امور خارجه نمک بر این زخم‌ها نریزند. تقریباً می‌توان گفت که کمتر جملات دیپلماتیک و هوشمندانه‌ای از ایشان شنیده می‌شود، چه در برخورد با کشورهای دیگر و چه در موضوعات داخلی مثل مورد فوق. وظیفه ایشان نیست که برکات نداشته تحریم را به مردم گوشزد کنند. اگر متوجه نباشند که معنای استفاده از اصطلاح برکات تحریم در ادبیات سیاسی داخل کشور چیست، چگونه می‌توانند درکی متعارف از سیاست داخلی پیدا کنند؟

ارزیابی فعالان سیاسی از کلید خوردن سوال از رئیس جمهور در مجلس فرصتی برای پزشک‌ها

گزارش
سیاست
۴۰۵

علی مطهری نماینده ادوار مجلس

غلامحسین کرباسچی فعال سیاسی اصلاح طلب

اگر نمایندگان واقعاً تشخیص می‌دهند که طرح سوال لازم است انجام این کار اشکالی ندارد. در دوران احمدی نژاد هم تلاش می‌کردند جلوی اصل طرح سوال را بگیرند و ما به این موضوع انتقاد داشتیم. با تمام این توضیحات باید شرایط کشور را هم در نظر گرفت. باید فشارهای داخلی و خارجی که همین الان احساس می‌کنیم را در نظر بگیریم. اینکه طرح سوال در شرایط حال حاضر به نفع مردم است یا خیر، محل بحث است و نمی‌شود دستوری عمل کرد.



تراکم

چگونه
تعرفه‌گذاری
دولت آمریکا
هزینه‌های
خرید کریسمس
را بالا برد؟

اقتصاد
جهان
۱۰-۱۱

علیه بابانوئل

آخر
خبر

بهرام بیضایی درگذشت

نمایشنامه‌نویس و کارگردان
پرآوازه ایرانی در روز تولد خود
چشم از جهان بست

بهرام بیضایی، فیلمساز، نمایشنامه‌نویس و پژوهشگر برجسته ایرانی، در روز ۸۷ سالگی و در روز تولدش درگذشت. دانشگاه استنفورد با صدور بیانیه‌ای درگذشت این هنرمند جریان‌ساز ایرانی را تأیید کرده است. بهرام بیضایی پنجم دی‌ماه ۱۳۱۷ در تهران متولد شد. او فعالیت حرفه‌ای‌اش را از دهه ۱۳۴۰ آغاز کرد و در کنار کارگردانی، در حوزه‌های نمایشنامه‌نویسی، فیلمنامه‌نویسی، پژوهش، تدوین و تهیه‌کنندگی نیز حضوری مؤثر داشت. بیضایی طی بیش از پنج دهه فعالیت، در مجموع ۲۴ فیلم کوتاه و بلند را کارگردانی یا تدوین کرد. از مهم‌ترین آثار سینمایی او می‌توان به «باشو غریبه کوچک»، «مرگ یزدگرد»، «چریک‌تارا»، «ارگبار»، «شاید وقتی دیگر»، «مسافران» و «اسگ کشی» اشاره کرد. بیضایی همچنین نویسنده بیش از ۳۰ نمایشنامه بود. این هنرمند برجسته‌نگارش ۵۱ فیلمنامه، پنج روایت و شش پژوهش را نیز در کارنامه خویش به ثبت رسانده است. هم‌میهن در شماره روز دوشنبه در شماره‌های ویژه، کارنامه، زمانه و جهان هنری بیضایی را بررسی می‌کند.

نگاه هم‌میهن

فتنه جدید؟

درباره هشدار
امام جمعه مشهد
در سالگرد اعتراضات ۹۶



مهررداد خدیر
معاون سردبیر

احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد در خطبه‌های این هفته گفته است: «وضعیتی که امروز در عرصه اقتصادی و اجتماعی بیان مواضع هستیم، کاملاً دشمن می‌دهد عوامل پشت‌پرده‌ای در کار است؛ گرانی‌ها به‌صورت ساعت‌به‌ساعت افزایش پیدا می‌کند و این نشان‌دهنده وجود دست‌های پنهان است. اگر دشمن بتواند در کنار برخی مسئولان، افرادی را نفوذ دهد که این وضعیت گرانی و فشار بر مردم را ببیند اما اقدامی نمی‌کنند، همان فتنه ۸۸ دوساله تکرار خواهد شد». سخنان او از چند منظر قابل توجه است: اول این که عجالتاً به موضوع پوشش زنان و دختران نپرداخته و دریافته کسانی که سبک زندگی و پوشش عرفی دیگری برگزیده‌اند طبعاً توجهی به اندرزه‌ها و تهدیدهای او ندارند و چه بسا نشنوند مگر آن که در صفحات اینستاگرام بازتاب داشته باشد. حضاران در نماز جمعه هم قاعداً مخاطب او نیستند. از این حیث که به جای سخنی هزار بار گفته به مشکل ملموس جامعه پرداخته قابل توجه است. مثل مشهوری درباره تبلیغات در حکومت‌های ایدئولوژیک نقل می‌شود که مردم به یخچال خانه خود بیشتر اعتماد دارند تا آنچه در تلویزیون می‌بینند و می‌شنوند و آقای علم‌الهدی در تلویزیون از یخچال (وضعیت اقلام خوراکی جامعه) گفته تا سخن او شنیده‌تر شود. دوم این که مواضع او درباره وضعیت اقتصادی به گرایش سیاسی دولت بستگی دارد. کما این که در سال آخر دولت احمدی نژاد (مهراد ۱۳۹۱) چنین گفته بود: «اگر مرغ دسترس نیست آن را با یک ماده پروتئینی دیگر جایگزین کنید» و جمله‌ای گفت که تا مدت‌ها نقل محافل بود: «مشهدی‌ها امگر اشکنه بیاز داغ را یادتان رفته و آن زندگی را فراموش کرده‌اید؟ مگر قرار است برنامه‌ها همان باشد که قبلاً بوده است؟»